گزارش خبر
NEWSREPORT
کد خبر: ۵۳۴۱۸۴
سه شنبه ۱۱ فروردین ۱۴۰۵ ۴:۴۲

جنگ علیه ایران مظهر نهایی تبعیت آمریکا از اسرائیل بود

به گفته مایکل رکتِنوالد، نویسنده و استاد سابق دانشگاه نیویورک، جنگ علیه ایران "مظهر نهایی" تبعیت واشنگتن از سی‌های رژیم صهیونیستی بود؛ جنگی که منابع آمریکا را تحلیل بُرد و در عین حال به سلطه منطقه‌ای اسرائیل دامن زد.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، به گفته مایکل رکتِنوالد، نویسنده و استاد سابق دانشگاه نیویورک، جنگ علیه ایران "مظهر نهایی" تبعیت واشنگتن از سی‌های رژیم صهیونیستی بود؛ جنگی که منابع آمریکا را تحلیل بُرد و در عین حال به سلطه منطقه‌ای اسرائیل دامن زد.

رکت‌نوالد در مصاحبه با مسلم‌پرس گفت که آمریکا پیش از این نیز به "انبار مهمات و خودپرداز اسرائیل" تبدیل شده بود و استدلال کرد که خون و سرمایه آمریکایی نه برای امنیت ایالات متحده، بلکه برای جاه‌طلبی‌های استراتژیک اسرائیل هزینه شد.

او همچنین گفت گمانه‌زنی‌ها درباره نفوذ اسرائیل بر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، "دور از ذهن نبود" و تأکید کرد که تصمیمات سیاست خارجی آمریکا بیش از آنکه منعکس‌کننده رویکرد "آمریکا اول" باشد، ناشی از اجبار و فشار بوده است.

رکت‌نوالد، بنیانگذار کمیته اقدام سیاسی آمریکای ضدصهیونیستی (AZAPAC)، همچنین هشدار داده بود که در صورت وقوع جنگ علیه ایران، روسیه و چین احتمالاً دخالت خود را تشدید خواهند کرد که خطر رویارویی جهانی را افزایش می‌داد. او وعده‌های انتخاباتی ترامپ علیه جنگ را "به کلی خیانت شده" توصیف کرد و به اقدامات نظامی فزاینده در خارج از کشور اشاره نمود.

در ادامه متن کامل این مصاحبه آمده است:

دکتر رکت‌نوالد، شما پیش‌تر استدلال کرده بودید که جنگ آمریکا علیه ایران، این کشور را به "دولت برده برای آرمان‌های توسعه‌طلبانه اسرائیل" تبدیل خواهد کرد. می‌توانید این موضوع را بیشتر توضیح دهید؟ و همچنین، رژیم صهیونیستی از طریق چنین جنگی چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟

به‌عنوان بنیانگذار AZAPAC، همواره استدلال کرده‌ام که سیاست خارجی آمریکا توسط منافع صهیونیستی ربوده شده و آمریکا را به دولتی دست‌نشانده تبدیل کرده که جنگ‌های اسرائیل را تأمین مالی می‌کند و می‌جنگد. جنگ آمریکا علیه ایران مظهر نهایی همین تبعیت بود. این جنگ خون و سرمایه آمریکایی را تحلیل بُرد – میلیاردها دلار هزینه و هزاران کشته – در حالی که تنها به سلطه منطقه‌ای اسرائیل دامن زد، نه امنیت آمریکا. پیش از این نیز شاهد این الگو بودیم: آمریکا به انبار مهمات و خودپرداز اسرائیل تبدیل شده بود و از اکتبر ۲۰۲۳ تا پیش از جنگ، بیش از ۳۳ میلیارد دلار کمک ارسال کرد که نسل‌کشی در غزه و تجاوز در لبنان و سوریه را ممکن ساخت و در نهایت چشم‌انداز حمله به ایران را فراهم آورد. این یک اتحاد نبود؛ این باج‌خواهی بود. نتانیاهو و امثال او تنش‌ها را دامن می‌زدند، چون می‌دانستند آمریکا هزینه خواهد پرداخت و قدرت نظامی را تأمین خواهد کرد و ما را به سمت درگیری بی‌پایان سوق می‌دهد تا استراتژی «برش تمیز» اسرائیل از دهه ۱۹۹۰ محقق شود؛ استراتژی‌ای که هدف آن سرنگونی رژیم‌هایی مانند عراق، سوریه و ایران برای تحقق آرمان‌های اسرائیل بزرگ بود. ایران آخرین مانع بزرگ بود و این جنگ اسرائیل را به قدرت بلامنازع منطقه تبدیل کرد، در حالی که آمریکا در باتلاق بدهی، تورم و واکنش‌های منفی فرو رفت. ما از آزادی دفاع نمی‌کردیم؛ خود را به برنامه‌ای خارجی به بردگی کشیدیم که توسعه‌طلبی خود را بر منافع آمریکا ترجیح می‌داد.

گمانه‌زنی‌های گسترده‌ای وجود داشت مبنی بر اینکه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، رئیس‌جمهور ترامپ را با پرونده‌های اپستین تهدید می‌کند. نظر شما در این باره چیست؟

ماجرای اپستین بوی عملیات اطلاعاتی می‌داد و ارتباطات موساد را نمی‌توان نادیده گرفت. حضور مکرر ایهود باراک در گزارش‌ها و ارتباطات اپستین نشان‌دهنده دخالت اسرائیل بود. ترامپ نیز با توجه به ارتباطات خود با اپستین، در زمره افرادی قرار می‌گرفت که احتمالاً در دام افتاده بودند. گمانه‌زنی‌ها درباره اینکه نتانیاهو از این پرونده‌ها برای باج‌خواهی از ترامپ استفاده می‌کند، دور از ذهن نبود. عملکرد دولت ترامپ در قبال اسرائیل گویای این موضوع بود. این "آمریکا اول" نبود؛ این اسرائیل بود که از طریق اجبار، سیاست را دیکته می‌کرد. "طبقه اپستین" – آن نخبگان پدوفیل – از چنین کثیف کاری‌هایی تغذیه می‌کند. انتشار گزینشی پرونده‌ها می‌توانست توضیحی برای تغییر موضع ترامپ از وعده‌های ضدجنگ به حمایت از جنگ‌طلبی اسرائیل باشد. تا شفاف‌سازی کامل این پرونده‌ها، از جمله نقش موساد، همچنان شاهد تضعیف حاکمیت آمریکا توسط دستکاری خارجی خواهیم بود.

تحلیلگران پیش‌بینی می‌کردند که در صورت حمله آمریکا و اسرائیل به ایران، روسیه و چین بسیار بیشتر درگیر خواهند شد. نظر شما چیست؟ و آیا این می‌توانست اثر بازدارندگی در برابر جنگ علیه ایران ایجاد کند؟

کاملاً درست بود. روسیه و چین پس از حمله تمام‌عیار آمریکا و اسرائیل به ایران، دخالت خود را تشدید کردند. این پیش‌تر با رزمایش‌های مشترک دریایی مانند "کمربند امنیت دریایی ۲۰۲۶" در تنگه هرمز آغاز شده بود. این فقط نمایش قدرت نبود؛ این یک "منشور راهبردی سه‌جانبه" برای دفاع متقابل بود، شامل تبادل اطلاعات و انتقال فناوری‌های نظامی. ایران یک گره کلیدی در به اصطلاح "محور منفوران" است که امنیت انرژی چین را تأمین

می‌کند و برای روسیه سدی در برابر سلطه آمریکا محسوب می‌شود. پس از حمله، شاهد حملات موشکی به اهداف آمریکایی، تلاش برای بستن تنگه هرمز و تشدید تنش‌ها در سایر نقاط جهان بودیم. این یک بازدارندگی عظیم ایجاد کرد. ناوگان ترامپ شاید مهیب به نظر می‌رسید، اما رویارویی با اتحاد قدرت‌های هسته‌ای مانند روسیه و چین، "حمله سریع" را به خطر جنگ جهانی سوم تبدیل کرد. به همین دلیل مذاکرات غیرمستقیم در ژنو به نتیجه نرسید. سکوت پکن و مسکو ضعف نبود؛ محاسبه‌گرانه بود و آمریکا را مجبور می‌کرد پیامدهای فاجعه‌بار را در برابر تحریکات اسرائیل بسنجد.

ترامپ در طول کارزار انتخاباتی خود را نامزدی ضدجنگ معرفی کرد که به جنگ‌های بی‌پایان واشنگتن پایان خواهد داد. پس از بیش از یک سال از ریاست جمهوری‌اش، چقدر به وعده‌های خود وفادار ماند؟

ترامپ به‌عنوان مسیحای ضدجنگ وارد کارزار شد و وعده پایان جنگ‌های بی‌پایان و پایان جنگ اوکراین را در ۲۴ ساعت داد. اما بیش از یک سال بعد، به تمام وعده‌هایش خیانت کرد. به جای صلح، شاهد تشدید تنش بودیم: حملات به سایت‌های هسته‌ای ایران در ژوئن ۲۰۲۵، اعزام هزاران سرباز آمریکایی به غزه، دستگیری مادورو در ونزوئلا، و تهدید به اقدام علیه ایران. او وعده کاهش جنگ در اوکراین را داد، اما تحریم‌ها علیه شرکت‌های نفتی روسیه ادامه یافت. این پایان جنگ‌ها نبود؛ آغاز جنگ‌های تازه بود. ترامپ چهره واقعی خود را به‌عنوان فرمانده جنگ‌طلب نشان داد و با حمایت از اقدامات اسرائیل و استفاده از زور نظامی برای سلطه، اعتبار آمریکا را تضعیف و ناپایداری جهانی را تشدید کرد.